

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله:

عاقبت اندیشی از منظر آیات و روایات

نام هسته:

"معرفت"

استاد راهنما:

آمنه نوبخت

پژوهشگران:

مرضیه جعفرزاده سنج

خیر النساء یعقوبی

الهه نوبخت

تابستان ۱۳۹۶

چکیده

عاقبت اندیشی در اسلام از جایگاه ویژه و والایی برخوردار است و همواره مورد تأکید قرآن و ائمه معصومین (علیهم السلام) می باشد. برای درک اهمیت عاقبت اندیشی در امور، باید به عاقبت و فرجام کار نیکوکاران و بدکاران در پایان کار و بازگشت آثار اعمال نیک یا بد هر انسانی به خودش توجه نمود. در قرآن کریم، انسان به طور صریح به عاقبت اندیشی دعوت شده و مصادیق و نمونه های فراوانی از تاریخ به جهت عبرت گرفتن بیان شده است و پرده از عاقبت اندیشی عاملان آن برمی دارد. در واقع عاقبت اندیشی، روح حاکم بر همه آیات الهی است. در روایات نیز، معصومین (علیهم السلام) در موارد بسیاری سفارش به عاقبت اندیشی قبل از انجام هر کاری نموده اند و عواقب عدم دور اندیشی را گوشزد کرده اند. در پاره ای از روایات نیز به تفسیر و توضیح دوراندیشی و بیان ویژگیهای انسانهای عاقبت اندیش پرداخته شده و دوراندیش ترین افراد معرفی شده اند. مقاله حاضر با عنوان «عاقبت اندیشی از منظر آیات و روایات» به روش کتابخانه ای و با ابزار فیش تهیه و تنظیم شده است و به بررسی عاقبت اندیشی، اهمیت و آثار آن با توجه به آیات و روایات پرداخته است.

واژگان کلیدی: عاقبت اندیشی، حزم، دوراندیشی، آینده نگری، عاقبت اندیشی در آیات، عاقبت

اندیشی در روایات.

مقدمه

عاقبت اندیشی یک خصیصه مقدس انسانی و موهبتی الهی است که روش زندگی انسان را از زندگی حیوان جدا کرده و به آن جنبه عقلانی و انسانی می‌بخشد و افق آینده را در برابر او روشن می‌کند تا قدرت برنامه ریزی صحیح را برای رسیدن به اهداف عالی پیدا کند. تفاوت انسان با حیوان در مسئله مذکور این است که چون سطح آگاهی حیوان محدود به زمان حال است، به آینده نظر ندارد و تلاشی هم برای ساختن آینده نمی‌کند، البته برخی از حیوانات کارهایی از روی غریزه و به صورت فطری انجام می‌دهند که نتیجه‌اش در زمان آینده مشخص می‌شود اما هیچکدام از این کارها از روی علم و آگاهی نیست و توجهی به نتیجه کار خود ندارند؛ اما سطح آگاهی انسان به قدری گسترده و افق اندیشه‌اش به اندازه‌ای وسیع است که زمان و مکان را در می‌نوردد؛ او هم می‌تواند گذشته را مرور کند و از پیروزی‌ها و شکست‌ها تجربه و عبرت بیاموزد و هم مرکب اندیشه را در میدان آینده به جولان در آورد و بر افق‌های دور دست مسلط گردد.

خداوند متعال عقل را برای اندیشیدن عطا نموده است تا انسان خوب و بد را درک کرده و بعد اقدام نماید. لذا انسان عاقل کسی است که عاقبت اندیش و دور اندیش باشد. یک انسان عاقل، قبل از اینکه کاری انجام دهد، ابتدا به همه جوانب کار خود می‌اندیشد و بعد تصمیم به انجام آن می‌گیرد، ولی انسان نادان ابتدا انجام می‌دهد و سپس فکر می‌کند. یکی از مشکلاتی که جامعه امروز ما و بخصوص جوانان گرفتار آن هستند، همین مسئله است. و متأسفانه عدم توجه به عاقبت امور در زندگی، از جمله تحصیل، ازدواج، انتخاب شغل، انتخاب دوست و هر تصمیم مهم دیگری، منجر به خسارت‌های جبران ناپذیری در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی افراد شده است و سرنوشت و سعادت آنها را در دنیا و آخرت تحت تأثیر قرار داده است.

بنابراین عاقبت اندیشی و توجه به فرجام امور برای عموم انسانها به ویژه جوانان امری لازم و ضروری است. و انسان‌هایی که به سعادت دنیوی و اخروی خویش می‌اندیشند و می‌خواهند زندگی آرام و با نشاطی داشته باشند، باید اصل عاقبت اندیشی را سر لوحه کارهای خود قرار دهند تا بتوانند در سایه تدبیر و مآل اندیشی نتیجه مطلوب را به دست آورند.

در همین راستا و با توجه به نقش ویژه و اساسی عاقبت اندیشی در سعادت و شقاوت انسان، مقاله حاضر در صدد بررسی عاقبت اندیشی از منظر قرآن و روایات و بیان اهمیت و آثار آن می‌باشد. امید است که مورد عنایت حضرت حق و امام عصر (عج) قرار گیرد.

مفهوم عاقبت اندیشی و مترادفات آن

عبارات «دوراندیشی»، «تدبیر»، «عاقبت اندیشی» و «حزم» غالباً در معنایی نزدیک به هم به کار می‌روند. «تدبیر» در لغت، به معنای عاقبت اندیشی است^۱ و «تدبیر امر» به معنای حکم و تقدیر نمودن به حسب حکمت است و فاعلی که به سبب مصیب واقع شدن، به آخر و عاقبت فعلش نظر دارد تا بدانچه می‌ترسد نیفتد.^۲

«عاقبت» به معنای پایان هر چیزی و فرجام و سرانجام آن است^۳ و «عاقبت اندیشی» مصدر و به معنای دوراندیشی است.^۴

«حزم» در لغت، محکم کردن کاری، استوار ساختن، هوشیاری و آگاهی، دوراندیشی در امری و نیز استوار کردن و محکم کردن کاری است^۵ و در اصطلاح به معنای دوراندیشی و یا به تعبیری عاقبت‌اندیشی است.^۶

اهمیت عاقبت اندیشی

اساساً اندیشیدن یکی از ارزش‌های والای انسانی است، به طوری که بعضی از اندیشمندان ارزش انسان را به اندیشه او دانسته‌اند و برخی آن را فصل ممیز انسان و حیوان خوانده‌اند. در آیات و احادیث اسلامی تفکر نه تنها یک ارزش معرفی شده، بلکه ملاک ارزشمندی هر عمل انسانی نیز عنوان شده است؛ برای مثال در قرآن کریم تفصیل و تبیین آیات و ذکر قصه‌های قرآنی را برای وادار کردن مردم به اندیشه بیان می‌کند: «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»^۷ این چنین خداوند آیات را برایتان آشکار ساخت بدان امید که شما اندیشه نمایید؛ «فَأَقْصَصَ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۸ پس قصه‌ها را بازگو کن تا این که به فکر بپردازند؛ «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۹ یقیناً در آن نشانه‌هایی است برای قومی که فکر می‌کنند.

قرآن نه تنها اندیشه فردی را می‌ستاید، بلکه مردم را به اندیشه جمعی نیز دعوت می‌کند. جامعه رشد یافته جامعه‌ای است که عموماً اهل اندیشه باشند. بنابراین یکی از کارهای اجتماعی و وظایف مسئولین در رشد و تعالی جامعه این است که مروج اندیشه و حافظ آن باشند.^{۱۰}

بنابراین از نمونه‌های روشن عاقبت اندیشی این است که انسان وقتی می‌خواهد چیزی بگوید، اول فکر کند، عاقبت آن را بسنجد، هدف و نتیجه و تبعات آن را در نظر بگیرد، اگر خوب است، بگوید و انجام دهد و آلا از گفتن و انجامش دست بردارد، تا به راه سعادت رهنمون گردد.

بدون تردید هر اندازه نیروی عقل و اراده در انسان قوی‌تر باشد، آینده‌نگری‌اش بیش‌تر و برنامه‌ریزی‌اش برای آینده دقیق‌تر خواهد بود، زیرا انسان به علت داشتن عقل دور اندیش، بسیاری از کارها را با تدبیر و پایان اندیشی و بررسی همه جوانب آن انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد.

این عقل حساب‌گر است که کارها را با توجه به مصالح و مفاسد نهفته در آن تجزیه و تحلیل می‌کند و از کارهایی که ممکن است در آینده نتیجه نا مطلوبی برای انسان داشته باشد، بر حذر می‌دارد و به هر عملی که نتیجه مطلوبی، هر چند در دراز مدت، داشته باشد توصیه و ترغیب می‌کند و بر طبیعت جوانی که متمایل به تنبلی و استراحت و لذت جویی است، غلبه می‌کند و او را آینده‌نگر و پر تحرک می‌سازد؛ مثلاً یک جوان دانش‌آموز که بر اساس طبیعت نوجوانی و جوانی علاقه مند به خواب و استراحت و خوراک و آسایش است و عاقبت اندیش نیست، وقتی به عقلش مراجعه می‌کند، می‌بیند عقل با ترسیم عاقبت تلخ و نا خوشایند کسانی که به تنبلی و تن‌پروری خو کرده و در نتیجه به نکبت و فلاکت کشیده شده‌اند و نیز با مجسم کردن عاقبت عافیت آفرین و فرجام درخشان کار افرادی که با سخت کوشی و بیدار ماندن و درس خواندن به سعادت و کمال رسیده‌اند، با زبان وجدان و الهام فطری به او می‌گوید: اگر می‌خواهی آینده خوبی داشته باشی، باید از لذت جویی‌های زود گذر و شهوت‌های فریبنده چشم‌پوشی و با تلاش

پی نوشت :

- ^۱. محمدبن یعقوب، فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۲، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی. بی تا، به نقل از مهدی اکبری، امیررضا اشرفی، حسین ارجینی، "عناصر مشروعیت حاکمیت از نگاه قرآن کریم"، نشریه معرفت، ج: ۲۰۰، سال بیست و سوم، شماره ۲۰۰، ص ۸.
- ^۲. محمود بن عمر، زمخشری، الکشاف، ج ۲، بیروت، دارالکتب العربی. ۱۴۰۷ ق، ص ۲۲۵.
- ^۳. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، بی تا، ص ۱۵۷.
- ^۴. حسن، عمید، فرهنگ عمید، چ ششم، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۱،
- ^۵. محمد، معین، فرهنگ معین، ج اول، چ ۲۵، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵۲.
- ^۶. عباس، پسندیده، رضایت از زندگی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷.
- ^۷. بقره: ۲۱۹.
- ^۸. اعراف: ۱۷۶.
- ^۹. روم: ۲۱.
- ^{۱۰}. قادر، فاضلی، "راه و رسم فرمانروایی در اندیشه نظامی گنجوی"، فصلنامه علوم سیاسی (علمی - پژوهشی)، ج ۲۰، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۷۷، ص ۱۷.
- ^{۱۱}. احمدرضا، هدایتی، "ضرورت پیامدنگری و عاقبت اندیشی در تهیه طرح‌ها و تنظیم برنامه‌ها"، <http://rahtooshe.com> بازدید: ۹۶/۴/۸.
- ^{۱۲}. ص: ۴۹.
- ^{۱۳}. ص: ۵۰.
- ^{۱۴}. ابوالفضل، بهرام پور، نسیم حیات، تفسیر قرآن کریم، ج ۲۳، قم، آوای قرآن، ۱۳۸۶، ص ۲۳۰.
- ^{۱۵}. نحل: ۳۲.
- ^{۱۶}. دخان: ۵۳.
- ^{۱۷}. مطففین: آیات ۲۷-۲۵.
- ^{۱۸}. محمد: ۱۵.
- ^{۱۹}. انعام: ۱۲۷.
- ^{۲۰}. عبدالله، جوادی آملی، معاد در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰، ص ۲۲۹-۲۳۱.
- ^{۲۱}. زخرف: ۷۴.
- ^{۲۲}. فرقان: ۱۳.
- ^{۲۳}. دخان: ۴۳-۴۵.
- ^{۲۴}. ابراهیم: ۱۶.
- ^{۲۵}. مومنون: ۱۰۸.
- ^{۲۶}. عبدالله، جوادی آملی، معاد در قرآن، همان، برگرفته از صفحات ۴۳۹ تا ۴۵۳.
- ^{۲۷}. عبدالله، جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۴، مرکز نشر رجاء، ۱۳۶۶، ص ۱۱۳.
- ^{۲۸}. فصلت: ۴۲.
- ^{۲۹}. همان، ص ۱۲۲.
- ^{۳۰}. اسراء: ۷.
- ^{۳۱}. نجم: ۴۰.
- ^{۳۲}. بقره: ۱۴۱.

۳۳. اسراء: ۱۳.
۳۴. عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن، همان، ص ۵۴.
۳۵. سید محمد حسین، حسینی، معادشناسی، مشهد، علامه طباطبایی، ۱۴۲۰ ه.ق، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.
۳۶. ابو طالب، خدمتی، علی آقا، پیروز و عباس شفیعی، مدیریت علوی، پایگاه اطلاع رسانی غدیر.
۳۷. تاریخ بازدید: ۹۶/۵/۱۲ <http://www.daneshju.ir>.
۳۸. <http://www.daneshju.ir> تاریخ بازدید: ۹۶/۵/۱۲.
۳۹. عباس، شفیعی، "مقایسه توصیفی نظام‌های مدیریت سازمانی با نظام مدیریت اسلامی"، نشریه معرفت، ش، ج ۲۷، ص ۶۰.
۴۰. احمد رضا، هدایتی، همان.
۴۱. همان.
۴۲. "عزم و حزم"، مجله پرسمان، خرداد ۱۳۸۸، شماره ۷۷، پایگاه اطلاع رسانی حوزه www.hawzah.net تاریخ بازدید: ۹۶/۶/۳.
۴۳. سید محمد حسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چ سوم، ۱۳۶۷، ص ۴۴۲.
۴۴. همان، ص ۴۴۷.
۴۵. ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش، ص ۵۳۹.
۴۶. محسن، قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۱، بی جا، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵، ص ۵۵۸.
۴۷. طه: ۱۲۸.
۴۸. ابوالفضل، بهرام پور، نسیم حیات، تفسیر قرآن کریم، قم، آوای قرآن، چاپ ششم، ۱۳۹۱، ج ۱۶، ص ۳۰۹.
۴۹. محسن قرائتی، معاد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۱۲۰.
۵۰. نازعات: ۲۴.
۵۱. یونس: ۹۲.
۵۲. ابوالفضل بهرام پور، نسیم حیات، تفسیر قرآن کریم، ج ۱۱، قم، نسیم حیات، ۱۳۸۳، ص ۲۴۳.
۵۳. توبه: ۱۰۷.
۵۴. جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ج ۴، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۷۵، ص ۱۲۳-۱۲۵.
۵۵. شمس: ۱۵.
۵۶. بقره: ۲۶۶.
۵۷. کهف: ۸۲.
۵۸. بقره: ۱۲۸.
۵۹. انعام: ۱۲۹.
۶۰. معاد در قرآن، همان، ص ۵۶-۵۷.
۶۱. ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، جنتی احمد، ج ۱، تهران، مؤسسه امیر کبیر، بی تا، ص ۲۳.
۶۲. محمد بن حسن، شیخ حر عاملی، جهاد النفس وسائل الشیعه، ترجمه افراسیابی، چ اول، قم، ۱۳۸۰، ش، ص ۱۴۹.
۶۳. همان، ص ۱۵۱.
۶۴. همان.
۶۵. ابن شعبه، حرانی، همان، ص ۲۲۵.
۶۶. محمد، محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ج ۱، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۱، صفحه ۱۴۷.
۶۷. همان.
۶۸. همان.
۶۹. همان.

-
۷۰. همان.
۷۱. همان.
۷۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، ج ۶، چ ۵، تهران، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۱۷۱.
۷۳. محمد، محمدی ری شهری، همان، صفحه ۱۴۷.
۷۴. محمد بن حسن، شیخ حر عاملی، همان، ص ۱۵۱.
۷۵. محمد، محمدی ری شهری، همان، صفحه ۱۴۷.
۷۶. همان.
۷۷. همان.
۷۸. همان.
۷۹. همان.
۸۰. همان.
۸۱. همان.
۸۲. همان.

فهرست منابع:

*قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. اکبری، مهدی، اشرفی، امیررضا، ارجینی، حسین، عناصر مشروعیت حاکمیت از نگاه قرآن کریم، نشریه معرفت، ج ۲۰۰، سال بیست و سوم، شماره ۲۰۰.
۲. بهرام پور، ابوالفضل، نسیم حیات، تفسیر قرآن کریم، ج ۱۱، قم، نسیم حیات، ۱۳۸۳.
۳. پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۴، مرکز نشر رجاء، ۱۳۶۶.
۵. _____، معاد در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، جهاد النفس وسائل الشیعه، ترجمه افراسیابی، ج اول، قم، ۱۳۸۰ ش.
۷. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، جنتی احمد، ج ۱، تهران، مؤسسه امیر کبیر، بی تا.
۸. حسینی، سید محمد حسین، معادشناسی، مشهد، علامه طباطبائی، ۱۴۲۰ ه.ق.
۹. خدمتی، ابو طالب، علی آقا، پیروز و عباس شفیعی، مدیریت علوی، پایگاه اطلاع رسانی غدیر.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، بی تا.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، ج ۲، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۴، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۵.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، ج ۶، چاپ ۵، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. شفیعی، عباس، "مقایسه توصیفی نظام‌های مدیریت سازمانی با نظام مدیریت اسلامی"، نشریه معرفت، ش، ج ۲۷.

۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری

علامه طباطبائی، چ سوم، ۱۳۶۷.

۱۶. فاضلی، قادر، "راه و رسم فرمانروایی در اندیشه نظامی گنجوی"، فصلنامه علوم سیاسی (علمی - پژوهشی)، ج

۲۰، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۷۷.

۱۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۱، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵.

۱۸. _____، معاد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

۱۹. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ج ۱، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان

چاپ و نشر، ۱۳۸۱.

۲۰. معین، محمد، فرهنگ معین، ج اول، چ ۲۵، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.

۲۱. مکارم، شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.

۲۲. <http://www.daneshju.ir>

۲۳. www.hawzah.net

۲۴. <http://rahtooshe.com>

۲۵. سایت کتابخانه فقاها <http://lib.eshia.ir>

۲۶. پایگاه اطلاع رسانی غدیر <http://www.ghadeer.org>